

Title

Components of Persistence and Resistance in Children's and Adolescent Literature (Case Study: "we are Iranian Children" by Davoud Amirian)

Doostali Sanchooli¹

Assistant Professor, Department of History, Faculty of Literature and Humanities, University of Zabol

(Received: ; Accepted:)

Abstract

"we are Iranian Children" is written by Davoud Amirian, one of the warriors of the Sacred Defense, who, using humorous language and in the form of a memoir, has written the narrative of the days of war and the passion and enthusiasm of the people, especially the youth and teenagers, to go to the front and defend our beloved country. This story is a narrative of the resistance and steadfastness of the brave and courageous children of Iran who, in critical circumstances, despite the hardships and lack of equipment against an enemy armed to the teeth, did not give up, supported by their faith and belief in God, to defend their honor, dignity, and honor. In this research, which was conducted using a descriptive-analytical method, the components of stability and resistance in the book "we are Iranian Children", which is related to the age group over 13 years old, have been examined and studied. Describing and praising martyrs and casualties, calling for struggle, strengthening the spirit of bravery and courage, belief in God and self-confidence and self-belief, describing the crimes and injustices of the enemy, and praising the homeland are among the important components of this book. Amirian, who was himself a fighter in the Sacred Defense and with his command of the Persian language, describes the events so honestly as if we had seen them ourselves or touched them up close.

Keywords: Children's and adolescent literature, sacred defense, stability and resistance, Davoud Amirian, we are Iranian children.

¹ * Corresponding Author: Doostali Sanchooli

زود آید و دیر ایست نشود

عنوان فارسی مقاله

مؤلفه‌های پایداری و مقاومت در ادبیات کودک و نوجوان (مطالعه موردی: «فرزندان ایرانیم» از داوود امیریان)

دوست‌علی سنجولی*

استادیار گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه زابل

(تاریخ دریافت: ...؛ تاریخ پذیرش: ...)

صفحات: ... - ...

چکیده

«فرزندان ایرانیم» نوشته داوود امیریان، یکی از رزمندگان دفاع مقدس است که با زبانی طنزآمیز و در قالب خاطره، روایت روزهای جنگ و شور و التهاب مردم بویژه جوانان و نوجوانان را برای رفتن به جبهه و دفاع از کشور عزیزمان، به رشته تحریر کشیده است. این داستان، روایت مقاومت و ایستادگی فرزندان دلاور و شجاع ایران است که در شرایط بحرانی، با وجود تنگناها و کمبود تجهیزات در برابر دشمن تا بن دندان مسلح، به پشتوانه باور و ایمان به خدا برای دفاع از شرف و حیثیت و ناموس و وطن خویش سر از پا نمی‌شناختند. در این پژوهش که به شیوه توصیفی - تحلیلی صورت گرفته، مؤلفه‌های پایداری و مقاومت در کتاب «فرزندان ایرانیم» که مربوط به رده سنی بالای ۱۳ سال می‌باشد، مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته است. توصیف و ستایش شهیدان و جانباختگان، دعوت به مبارزه، تقویت روحیه دلاوری و شجاعت، خداباوری و اعتماد به نفس و خودباوری، بیان جنایت‌ها و بیدادگری‌های دشمن و ستایش وطن از جمله مؤلفه‌های مهم این کتاب است. امیریان که خود رزمنده دفاع مقدس بوده و با احاطه‌ای که بر زبان فارسی دارد، آن‌چنان صادقانه، وقایع را توصیف می‌کند که گویی ما خود آن‌ها را دیده‌ایم و یا از نزدیک لمس کرده‌ایم.

کلمات کلیدی: ادبیات کودک و نوجوان، دفاع مقدس، پایداری و مقاومت، داوود امیریان، فرزندان

ایرانیم.

۱. * نویسنده مسئول: دوست‌علی سنجولی..

۱- مقدمه

«مقاومت» و «پایداری» و دیگر واژه‌های هم‌معنی و مترادف با آن‌ها، از جمله تعبیرات رایج در میان مردمی است که به هر دلیلی با پدیده جنگ یا حمله و اشغال نظامی به وسیله بیگانگان و مهاجمان روبه‌رو بوده و حیات مادی و معنوی آن‌ها مورد تهدید و تعرض قرار گرفته است. هرچند مقاومت و پایداری پیشینه‌ای به بلندای تاریخ بشر دارد و به هیچ زمان و مکان خاصی محدود نمی‌شود، اما این مسأله در کشور ما به صورت رسمی، از انقلاب مشروطه به بعد وارد عرصه ادبیات شد و با ظهور انقلاب اسلامی و پس از آن جنگ تحمیلی و هشت سال دفاع مقدس، زمینه بهترین نمودهای شگفتی و به اوج رسیدن این گونه ادبی را فراهم آورد (رک: بصیری، ۱۳۸۸: ۲۳).

از این حیث ادبیات پایداری، نوعی ادبیات متعهد است که از مقاومت و ایستادگی ملت‌ها در برابر تجاوز دشمنان داخلی و یا خارجی به حقوق و ارزش‌هایشان سخن می‌گوید و بیانگر «تلاش‌ها، اخلاص‌ها و ایثارها، رزم‌ها و محرومیت‌ها و مظلومیت‌های ملتی است که برای دفع تجاوز نظامی، فرهنگی، دینی و ستی و ملی دشمنان قد برافراشته و در این مسیر، رنج و حرمان کشیده است» (آیینی‌وند، ۱۳۷۰: ۳۴).

گرچه «دفاع مقدس» نامی است که به هشت سال ایستادگی و پایداری مردم ایران در برابر دشمن متجاوز بعثی اطلاق شده، اما یاد و خاطره و پیامدهای آن در ذهن و ضمیر نسلی که از متن حادثه به امروز رسیده، همچنان باقی و جاری است. حتی نسل‌های بعدی نیز نمی‌توانند بدون این گذشته زندگی کنند و طنین آن را در امروز و فردای خود نادیده بگیرند. به همین سبب، «ادبیات دفاع مقدس، جریانی است پایان‌ناپذیر و مستمر؛ و این انگاره که در حصار هشت سال خلاصه می‌شود، نه معقول است، نه معمول و نه عالمانه» (سنگری، ۱۴۰۱: ۱۲).

ادبیات دفاع مقدس که از متن انقلاب اسلامی سر برآورده، در قالب‌های متنوع و گوناگونی از قبیل: شعر، نمایشنامه، داستان، نامه، وصیت‌نامه، زندگی‌نامه و... مجال بروز و ظهور یافته است. نوع ادبی خاطره که در سال‌های پس پایان جنگ تحمیلی اوج و رونق گرفت، گونه‌ای از روایت و روایتگری است که راوی، رویدادهایی را بیان می‌کند. «خاطره، بازگویی، بازنویسی و گاه بازآفرینی دیده‌ها، شنیده‌ها و کرده‌های گذشته است. در نتیجه خاطره یافته است نه بافته ذهن و تخیل؛ و به همین سبب باید مستند باشد» (سنگری، ۱۴۰۱: ۱۳۳). از این رو خاطرات هم ارزش تاریخ دارند و می‌توانند دست‌مایه مطالعات و تحلیل‌های پژوهشگران قرار گیرند و هم ارزش تجربی دارند و در انتقال تجربه‌ها به نسل‌های بعدی مؤثرند.

داوود امیریان (۱۳۴۹) که خود به عنوان رزمنده دفاع مقدس در جبهه حضور داشته و خاطرات او از نوع «خاطرات خود انگاشته» است، داستان «فرزندان ایرانیم» را پس از پایان جنگ تحمیلی، در سال ۱۳۷۸، با زبانی آکنده از چاشنی طنز به رشته تحریر درآورده است. درحقیقت امیریان با استفاده از زبان طنز می‌کوشد «از تلخی‌های ملال‌انگیز جنگ بکاهد و با تلطیف آن، این نوع ادبیات و فرهنگ جبهه و ارزش‌های اصیل و ارزشمند آن را به نوجوانان منتقل کند» (بسمل، ۱۳۹۸: ۷۷). این داستان، اثری است روایی که شخصیت اصلی آن، داوود، به بیان خاطراتش در دوران دفاع مقدس پرداخته است. این اثر اگرچه برای گروه سنی کودک و نوجوان نوشته شده، اما بزرگ‌سالان نیز از خواندن آن لذت می‌برند و خسته نمی‌شوند. او در بیان خاطرات خود، صداقت دارد و می‌کوشد آن‌چه را دیده و لمس کرده، گزارش دهد.

۱-۱- هدف، بیان مسأله و سؤال

جنگ پدیده‌ای است که تمام طبقات جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد و نگاه آن‌ها را نسبت به زندگی و آینده دست‌خوش تغییرات جدی می‌نماید. دوران هشت سال دفاع مقدس نیز یکی از رخدادهای عظیم تاریخ کشور ماست که ذهن و اندیشه تمامی محبان و دوستداران وطن اعم از زن و مرد و کوچک و بزرگ را درگیر خود کرده بود. رویداد جنگ و ادبیات دفاع مقدس همراه و همزاد هم هستند و از این حیث ادبیات کودک و نوجوان در معنی عام خود تفاوتی با ادبیات بزرگ-سالان ندارد. آنچه این دو را از هم متمایز می‌کند، تفاوتی است که بین نیازها و امکانات کودکان و بزرگسالان وجود دارد. به همین دلیل شاخصه‌ها و مؤلفه‌هایی هم که در ادبیات کودک و نوجوان وجود دارد، تفاوتی با ادبیات بزرگسالان ندارد. زیرا ادبیات پایداری در فرهنگ اسلامی به طور کلی مبتنی بر ارزش‌های دینی و الهی است و هدف آن رشد و تعالی انسان به سوی کمال است.

«فرزندان ایرانیم»، مجموعه خاطرات چند نوجوان بسیجی است که دوره آموزش مقدماتی را برای ورود به جبهه می‌گذرانند. بچه‌هایی که اکثرشان به خاطر کم بودن سن و سالشان، در شناسنامه‌شان دست می‌پرند. داوود امیریان، راوی این خاطرات نیز خود یکی از آن‌هاست. این داستان، روایت زندگی گروهی نوجوانانی هم‌سن و سال است که با تمام شیطنت-شان، عاشق دفاع از سرزمین‌شان هستند و برای رفتن به جبهه باید آموزش مقدماتی را طی کنند.

در این کتاب، هیچ چیز از نگاه نویسنده دور نمانده است. او با توصیف جزء به جزء وقایع، ذهنیت خاصی از آن دوران را برای مخاطب به وجود می‌آورد. مخاطبی که در آن روزها نبوده و یا آن دوران را ندیده است. البته از دوران جنگ تحمیلی، خاطرات بسیاری گفته و نوشته شده است، چه از زبان آن‌ها که در خط مقدم جبهه میان آتش و خمپاره و خون بوده و با گوشت و پوست و استخوان خویش جنگ را تجربه کرده‌اند و چه آن‌ها که به انتظار بازگشت عزیزان‌شان بوده‌اند. داوود امیریان یکی از رزمندگان است که در سال ۱۳۶۵، وقتی کلاس سوم راهنمایی بوده، به جبهه رفت و در عملیات‌های مختلف همچون کربلای یک، کربلای پنج، بیت‌المقدس چهار و مرصاد شرکت داشت و با پایان جنگ در آبان ۱۳۶۷ به خانه بازگشت.

از آن‌جا که امیریان در آن سال‌ها خود نوجوانی چهارده پانزده ساله بوده و کتاب «فرزندان ایرانیم» را نیز برای رده سنی بالای ۱۳ سال نوشته، در این پژوهش تلاش می‌شود تا ضمن برشمردن مؤلفه‌های پایداری و مقاومت، به این سؤالات پاسخ داده شود:

۱- نوع نگاه نوجوانان و جوانان در آن سال‌ها نسبت به پدیده جنگ چگونه بوده است؟

۲- مهم‌ترین مؤلفه مقاومت و پایداری در این کتاب کدام است؟

۳- امیریان، چگونه این مؤلفه‌ها را به نسل‌های بعدی منتقل کرده است؟

۲-۱- اهمیت و ضرورت تحقیق

هدف از انجام این تحقیق، بررسی مؤلفه‌های پایداری در کتاب «فرزندان ایرانیم» به عنوان یکی از خاطره‌نوشته‌های دفاع مقدس در ادبیات کودک و نوجوان است. دفاع مقدس و پرداختن به آموزه‌هایی که در بطن این رویداد مقدس وجود دارد، یکی از رسالت‌های مهم و خطیر اهالی قلم و اصحاب فرهنگ است که انتقال آن به نسل‌های بعدی انقلاب و به‌طور کلی آیندگان این سرزمین، وظیفه‌ای انسانی و حیاتی است که شعله امید به آزادی را در جان‌ها زنده نگه می‌دارد و جوانان

و نوجوانان را دلاوری و پایداری می آموزد.

۳-۱- پیشینه تحقیق

در مورد پایداری و ابعاد مختلف جنگ تحمیلی و دفاع مقدس تا کنون پژوهش‌های بسیاری در قالب کتاب، مقاله و پایان- نامه صورت گرفته است که استناد به آن‌ها در این مختصر نمی‌گنجد. مؤلفه‌های پایداری در ادبیات کودک و نوجوان و بویژه آثار داستانی داوود امیریان کمتر مورد توجه بوده که در این جا به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

شریف‌پور و قیصری (۱۳۹۱)، در مقاله‌ای با عنوان «بررسی مضامین طنز در خاطره‌نوشته‌های دفاع مقدس»، به بررسی مضامین طنزآمیز در آثار داستانی امیریان از جمله کتاب «ایرج خسته است» پرداخته و بر این باورند که ایجاد موقعیت طنز و استفاده از طنز مبتنی بر عبارت، دو شگرد عمده امیریان در طنزآفرینی است.

حاتمی (۱۳۹۲)، در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «بررسی و تحلیل و طبقه‌بندی در داستان‌های کوتاه دفاع مقدس»، به بررسی و مطالعه چگونگی وجود طنز در داستان‌های کوتاه اکبر صحرایی و داوود امیریان پرداخته و معتقد است که مبنای اغلب آن‌ها، طنز و شوخی و شوخ‌طبعی‌هایی است که در جبهه در زیر آتش گلوله دشمن و دشواری‌های جنگ، برای تلطیف فضا و روحیه دادن به سایر هم‌زمان صورت گرفته است.

ملاکی (۱۳۹۳)، در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خویش با عنوان «بررسی شیوه‌های طنز در داستان‌های کوتاه دفاع مقدس (اکبر صحرایی و داوود امیریان)»، به بررسی و مقایسه شیوه‌های طنزپردازی در آثار این دو نویسنده دفاع مقدس پرداخته و بر این باور است که نوآوری در آثار داستانی امیریان نسبت به آثار داستانی صحرایی بیشتر است.

بسمل (۱۳۹۸)، در مقاله «بررسی مؤلفه‌ها و الگوهای طنز در آثار داوود امیریان»، به طبقه‌بندی و تحلیل سازوکارهای طنز در آثار داستانی وی پرداخته و به کارگیری طیف‌های متعدد و متنوع سازوکارهای ایجاد طنز را از شاخصه‌های سبکی آثار امیریان می‌داند و معتقد است که این سازوکارها را بر اساس نظریه و الگوی متداول جهان طنز می‌توان به دو دسته عمده تقسیم کرد: نخست، «سازوکارهای مبتنی بر کارکرد زبان» که از فراوانی و بسامد کمتری برخوردارند؛ و دوم، «سازوکارهای مبتنی بر محتوای زبان» که فراوانی قابل توجهی در آثار امیریان دارند.

۴-۱- روش تحقیق

در این پژوهش که به شیوه توصیفی- تحلیلی صورت گرفته، کتاب «فرزندان ایرانیم» نوشته داوود امیریان که خود یکی از رزمندگان دفاع مقدس است، مورد مطالعه و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و پایگاه‌های اطلاعاتی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است.

۲- بحث و تحلیل

داوود امیریان از نویسندگان موفق حوزه دفاع مقدس است. وی در پنجم فروردین ۱۳۴۹ در کرمان به دنیا آمد. به‌خاطر موقعیت و شغل پدر، در شهرهای مختلف ایران از جمله: آبادان، تبریز، قزوین و تهران زندگی کرده است. امیریان فعالیت نویسندگی خود را از سال ۱۳۶۹، با نوشتن خاطراتش از جبهه آغاز کرد و آثاری از قبیل: فرمانده من (۱۳۶۹)، خداحافظ

کرخه (۱۳۶۹)، بهشت برای تو (۱۳۷۰)، ایرج خسته است (۱۳۷۳)، تندرهای ابابیل (۱۳۷۴)، مین نخودی (۱۳۷۵)، آخرین سوار سرنوشت (۱۳۷۶)، یک آسمان منور (۱۳۷۶)، فرزندان ایرانیم (۱۳۷۸) و بسیاری داستان‌های دیگر از خود به یادگار گذاشته است.

«فرزندان ایرانیم»، اثری روایی است که در ۶۰ فصل به رشته تحریر درآمده است. شخصیت اصلی داستان، داوود، خود نویسنده است که درحقیقت، حوادث و رویدادهای بیان شده در این اثر، خاطرات اوست. او که به عنوان یک بسیجی، علاقه بسیار برای رفتن به جبهه دارد، پس از تلاش‌های فراوان، اجازه ورود به دوره‌های آموزشی پادگان ۲۱ حمزه سیدالشهداء را پیدا می‌کند. این داستان درواقع، نشان‌دهنده ایستادگی داوطلبان و رزمندگان نوجوانی است که برای مقابله با هجمه‌های دشمن و حضور در عرصه نبرد، سختی‌های بسیاری را در خارج از صحنه جنگ و مبارزه، یعنی دوران آموزشی تجربه کرده‌اند که خود زمینه‌ساز آمادگی آن‌ها برای ورود به مبارزه اصلی و مقابله با اشغال‌گران یعنی بوده است. این اثر اگرچه مجموعه خاطرات چند نوجوان بسیجی است که دوره آموزش مقدماتی را برای حضور در جبهه‌ها می‌گذرانند و راوی نیز خود یکی از آن‌ها به حساب می‌آید، اما اغلب شاخص‌ها و ویژگی‌های محتوایی ادبیات مقاومت و پایداری را داراست. شاخصه‌هایی از قبیل: دعوت به مبارزه، تقویت روحیه دلاوری و شجاعت، خداباوری، اعتماد به نفس و خودباوری، توصیف و ستایش شهیدان و جانبازان، بیان جنایت‌ها و بیدادگری‌های دشمن، ستایش وطن و آزادی و آزادگی (رک: سنگری، ۱۴۰۱: ۳۲-۲۸).

۲-۱- دعوت به مبارزه

یکی از شاخصه‌های مهم ادبیات پایداری، تقویت شجاعت و جسارت در برابر متجاوزان و ستمگران است. لذا «دعوت به قیام و ایستادگی و تداوم مبارزه، روح ادب پایداری به حساب می‌آید» (سنگری، ۱۴۰۱: ۶۵). اهمیت این مسأله به حدی است که حتی در قرآن کریم که منادی صلح و سلامت است، در موقعیتی که قومی مورد تجاوز و تعرض قرار می‌گیرد، برای دفاع از حقوق فردی و اجتماعی به مسلمانان اجازه جنگ و جهاد می‌دهد و آن را مقدس می‌شمارد. (وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا) (نساء: ۷۵). و دلاور مردانی را که دلیرانه برای نجات ارزش‌های الهی و انسانی جهاد می‌کنند، برترین انسان‌ها شمرده که پاداش بزرگی نزد خداوند خواهند داشت، «فَصَلِّ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا» (نساء: ۹۵). لذا دعوت به مبارزه و تحمل نمودن سختی‌ها و مشکلات آن، یکی از مؤلفه‌های پرکاربرد در ادبیات پایداری و بویژه در آثار داستانی داوود امیریان است. شرکت در جنگ و مبارزه مستقیم با دشمن، آرزوی اغلب جوانان و نوجوانان در دوران هشت سال دفاع مقدس بوده است. امیریان نیز با شعله‌ور شدن آتش جنگ و شنیدن خاطرات آن از زبان برادر و دو خواهرش که به جبهه رفته بودند، دلش به تپش می‌افتد و مصمم می‌شود که آلا و بالله هر طور شده به جبهه برود: «می‌ترسیدم جنگ تمام شود و من به آن نرسم» (امیریان، ۱۴۰۰: ۹). از این رو، او بارها برای رفتن به جبهه اقدام می‌کند، اما هر بار به دلیل کم سن و سال بودنش، درخواستش پذیرفته نمی‌شد. تا این که به اشاره یکی از دوستانش که او نیز همین کار را کرده بود، تاریخ تولدش را در شناسنامه‌اش دست‌کاری می‌کند و به آرزوی خود دست می‌یابد.

پس از موفقیت در این راه، وقتی از مدرسه برمی‌گردد و نگاهش به تابلوی اعزام به جبهه و پادگان آموزشی می‌افتد، سر از پا نمی‌شناسد: «خودش بود. اعزام به پادگان آموزشی ۱۳۶۵/۱/۲۰، کیف را توی بغل فشردم. داغ شده بودم. شادمانه به هوا

پریدم و تخته گاز دویدم به طرف سهره خانی آباد: پایگاه ابو ذر» (امیریان، ۱۴۰۰: ۱۶).

توصیف پایگاه ابو ذر نیز بیانگر شور و اشتیاق جوانان و نوجوانانی است که برای رفتن به جبهه و مبارز با دشمن بعثی، هیچ گونه درنگ و بیمی را به خود راه نمی دادند: «پایگاه ابو ذر انگار بازار شام بود. بس که جمعیت تو محوطه کوچکش چپیده بود. اگر سوزن می انداختی، به زمین نمی رسید. حالا شلوغی و سرو صدا را ول کن و داد و هوار بلندگوها را بچسب. انگار کویتی پور و آهنگران با هم دیگر مسابقه روکم کنی گذاشته بودند... انگار صدها آدمی زاد را تو دیگ دیو سفید انداخته باشند و بجوشانند. مرد و زن و پیر و جوان تو هم می لولیدند و کسی به کسی نبود» (امیریان، ۱۴۰۰: ۱۸).

روحیه مقاومت و شهادت آن ها به حدی بود که پیوسته نگران آن بودند که مبدا کسی متوجه تخلف آن ها، یعنی دست کاری در شناسنامه شان شود؛ و یا هرگاه به خاطر کوتاهی در آموزش و یا به خاطر شیطنت های شان تهدید به اخراج می شدند، هر تنبیه و مجازاتی را بر اخراج شدن ترجیح می دادند: «فرمانده کلی مؤاخذه مان کرد، تهدیدمان کرد و برگه های اخراج مان را امضا کرد. ما هم افتادیم به خواهش و التماس. آلوچه آلوچه اشک ریختم و توبه کردیم و او را به مقدسات عالم سوگند دادیم که از خطایمان بگذرد...» (امیریان، ۱۴۰۰: ۱۲۷).

آن ها برای پایان یافتن دوره آموزش مقدماتی و رفتن به جبهه لحظه شماری می کنند: «خلیل گفت: ... داوود نمی دونی چقدر کیف داره که آخر دوره برگه پایان دوره به دست بدن. خستگی از تن آدم درمی آد. باور کن اگر می شد دوباره می رفتم و یه بار دیگه تو پادگان آموزش می دیدم. وقتی تو آموزش هستی، فقط سختی ها را می بینی، اما چند مدت بعد تموم اون سختی ها و مشقت ها می شه خاطرات خوش و شیرین. انگار آدم بره تو کندوی عسل و نیش بخوره، اما بعد شیرینی عسلو بچشه و لذت ببره» (امیریان، ۱۴۰۰: ۱۳۰).

سرانجام وقتی تمام آموزش های مقدماتی را با موفقیت پشت سر می گذارند و باید آموخته های شان را در اردو به نمایش بگذارند، از آن دوران با رضایت و خرسندی یاد می کنند: «امتحان های مختلف را با موفقیت پشت سر گذاشته بودیم و همه نمره قبولی گرفته بودند. حالا همه به فوت و فن سلاح ها و تخریب و امدادگری و تاکتیک وارد شده و باید در اردو آموخته هایمان را به معرض نمایش می گذاشتیم» (امیریان، ۱۴۰۰: ۱۵۷).

پس از آن که اردو هم تمام می شود و فرمانده می خواهد با آن ها خداحافظی کند و او به خاطر سخت گیری های دوره آموزش از آن ها عذرخواهی می کند، وصف علاقه و محبت خالصانه و صادقانه آن ها نسبت فرمانده خواندنی است. احساسی سرشار از محبت و معنویت که گویی شب است و آن ها می خواهند به قلب دشمن بتازند:

«فرمانده با مهربانی به موهای سرم دست کشید. بعد رو کرد به بچه ها و گفت: برادر، همه این جا جمع بشن. لحنش آرام بود. همه نظام گرفتیم... فرمانده با مهربانی نگاه مان کرد و گفت: برادران خوبم، آموزش تمام شد و شماها سربلند و روسفید از این امتحان بیرون آمدید...»

— حلالم کنید. من خادم شما بودم. از هفتاد و پنج نفر، فقط شما سی و نه نفر موندید. شماهایی که می خواهید به یاری حسین زمان برید. آگه از بین شما کسی شهید شد و به زیارت آقا امام حسین (ع) رفت، شفاعت دیگران یادش نره....

— من و دوستانم مجبور بودیم سخت گیری بکنیم و آلا دلمان نمی آمد به شما کم ترین صدمه و آسیبی برسد. شماها پاکید.... ما دست مون از جبهه کوتاهه. باید اینجا بمونیم و مسئولیت آموزش بسیجی ها رو به گردن بگیریم. اما دل مون خوشه که شما برای دفاع از مملکت اسلامی مون عازم هستید. حلالم کنید!

به یک باره همه بلند شدند و به طرف فرمانده هجوم بردند. بچه ها فرمانده را می بوسیدند و می گریستند. فرمانده هم می خندید و هم گریه می کرد» (امیریان، ۱۴۰۰: ۱۹۹).

۲-۲- ایمان و خداباوری

ایمان به خدا و توکل به او، آرامشی را برای رزمندگان رقم می‌زند که انرژی و روحیه آنان را در مبارزه با دشمن و تحمل سختی‌ها و مشکلات آن، چندین برابر می‌کند. انسان‌های خداباور در تمامی شرایط زندگی از خداوند یاری می‌جویند. باورهای مذهبی، قدرت و توان تاب‌آوری و استقامت آدمی را در برابر سختی‌ها و مصیبت‌ها افزایش می‌دهد. امیریان در جای‌جای خاطراتش به این مسأله اشاره می‌کند: «زیپ ساک کوچکم را کشیدم. مادرم سینی در دست نگاهم می‌کرد. کنارش دو خواهر بزرگ‌ترم ایستاده بودند؛ با اشک‌های پنهان در چشم.... خواهر بزرگم فاطمه، قرآن را از سینی برداشت. خواهر وسطی‌ام کبری، کاسه آب را برداشت. سه بار از زیر قرآن رد شدم و بوسیدمش و قدم به کوچه گذاشتم» (امیریان، ۱۴۰۰: ۱۷).

او در ادامه دعا می‌کند که روسفید از آموزش بیرون بیاید. امیریان و دیگر رزمندگان از صدای اذان و بانگ نماز و دعا بسیار خوش‌شان می‌آید؛ زیرا آرامش و لذتی خاص به آن‌ها می‌دهد: «نماز را که خواندم، موقع دعای بعد از نماز، صدای خوشی از میان جمع بلند شد: - السّلام علیک یا ابا عبدالله... رد صدا را گرفتم. رضا دادگر بود که می‌خواند.... بچه‌ها را نمی‌شد شناخت. با آن که همه خسته بودند، اما چنان روحیه و قوتی گرفتند که ده دقیقه بعد، حسینه با سینه‌زنی و مصیبت آل رسول الله به لرزه در آمد.... صدای دیگری بلند شد: بنی‌جمالی بود. دم می‌داد و ما جواب می‌دادیم. شور گرفتیم و سینه زدیم و در خلسه‌ای شیرین فرورفتیم. من که خیلی لذت بردم. با هر ضربه به سینه، خستگی و درد غربت را بیرون می‌دادم» (امیریان، ۱۴۰۰: ۵۱).

آن‌ها حتی شرایط سخت و توان‌فرسای آموزش نظامی را با زبان روزه تحمل می‌کردند. عبادت و راز و نیازشان با خداوند، خالصانه و بدون ریاست: «همه رفتیم دم در اتاق فرمانده که روبه‌روی آسایشگاه بود. حسن زاده نشسته بود و قرآن می‌خواند. ما را که دید، قرآن را بست و روی کمد کوچکش گذاشت» (امیریان، ۱۴۰۰: ۱۰۶).

پس از آن نزد جعفر وجدانی می‌روند که داشت دفتر دویست برگه را ورق می‌زد و می‌خواند. «کنارش نشستم... گفت: می‌خواهی دفترمو بخوانی!... اشعار دفتر از مضمون‌های عاشقانه شروع می‌شد، با تاریخ‌های مختلف از دو سال قبل، هرچه برگ می‌زدم شعرها سنگین‌تر و بامضمون‌تر می‌شد.... آخر دفتر شعری بود که اشکم را درآورد.... از او خیلی خوشم آمد. جانماز آب نکشید و بی‌ریا حرف دلش را زد» (امیریان، ۱۴۰۰: ۱۰۶-۱۰۸).

آن‌ها بیشترین بهره معنوی را از فرصت‌های زندگی برمی‌گیرند. فرمانده به خاطر کوتاهی و سستی در عبادت حتی در عبادت‌های مستحبی، برادرانه به آن‌ها تذکر می‌دهد: «برادران خویم، غیر نماز یومیه و روزه که واجب، باقی عبادات مستحب و نافله‌اس. انجام ندادنش گناه نداره. اما وقتی گرسنه باشی و سفره پهن باشه، باید استفاده کرد. ماه رمضان، ماه خدا...». سپس در مراسم دعای توسل، «ما نوحه خواندیم و سینه زدیم. یک ساعت مانده به اذان صبح، پاکشان برای سحری و آماده شدن برای نماز صبح رفتیم. سبک شده بودم و احساس می‌کردم در آسمان پرواز می‌کنم» (امیریان، ۱۴۰۰: ۱۲۵).

۲-۳- خودباوری و آمادگی دفاعی

یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های پایداری، برخورداری از دانش و یادگیری آموزش‌های لازم در حوزه تخصص و مسئولیت است. لازمه دفاع هوشمندانه در برابر دشمن، آموزش نیروهای متعهد و خودباور است. عدم آموزش کافی، آسیب‌های جبران‌ناپذیری به نیروهای امدادی رزمندگان وارد می‌کند. درون‌مایه اصلی کتاب «فرزندان ایرانیم»، آموزش مقدماتی و تربیت رزمندگان برای ورود به جبهه و دفاع از سرزمین، باورها و آرمان‌هایشان است. از این‌رو، لازم است که رزمندگان

برای کسب آمادگی دفاعی، به خود باور داشته باشند و هرگونه سختی و ناخوشی‌ای را تحمل کنند. این همان چیزی است که فرمانده، در آغاز مراحل آموزش به آن‌ها یادآوری می‌کند: «ما در حال آموزش هستیم و هر مشقت و زحمتی را باید به جان بخریم. به قول یکی از فرماندهان، در پادگان‌ها باید عرق ریخته شود تا در صحنه نبرد خون کم‌تری ریخته شود... ما نیامدیم این‌جا تا تفریح کنیم... از حالا به بعد آموزش سخت‌تر می‌شه. باز هم می‌گم هرکس طاقت نداره، تشریف ببره» (امیریان، ۱۴۰۰: ۵۵).

تحمل سختی‌ها و مشقت‌های آموزشی، روحیه خودباوری و سلحشوری را در رزمندگان تقویت می‌کند. آن‌ها به قدرت و توان خود ایمان می‌آورند و از مشکلات نمی‌هراسند: «روز اول اگر می‌کشتند هم با لباس کامل رو زمین خیس پهن نمی‌شدم. اما حالا لخت و عرق‌ریزان چسپیده به زمین جلو می‌رفتم. از خودم خوشم آمد. داشتم به استقامت و توان خودم ایمان می‌آوردم. آموزش این چیزهاش خوب بود. به توانایی‌های پنهان وجودت واقف شوی و اعتماد به نفس پیدا کنی و از مشکلات نهراسی» (امیریان، ۱۴۰۰: ۶۶).

۲-۴- نمادهای ملی و مذهبی

گرایش به مفاهیم دینی و عاشورایی و آمیزش شخصیت‌ها و عناصر اسطوره‌ای و حماسی با شخصیت‌های دینی و مذهبی و تشبیه رزمندگان به آنان و ستایش امامان بویژه امام حسین (ع)، سرور و سالار شهیدان به عنوان قهرمان واقعی حماسه عاشورا، یکی از مفاهیم و مضامین پرکاربرد دفاع مقدس به شمار می‌آید (رحیمیان، ۱۳۸۸: ۸۸). امیریان با آوردن نام شخصیت‌های ملی و مذهبی از جمله رستم، امام حسین (ع)، حضرت زینب (س)، امیرالمؤمنین (ع) و... می‌کوشد در رزمندگان روحیه شجاعت، مقاومت و ایستادگی و پایداری را تقویت نماید.

او در جایی از داستان، سختی‌های اعزام را چنان توصیف می‌کند که حتی فردی مانند رستم نیز نمی‌توانست از پس آن برآید: «اگر رستم مادر مرده هم بود، حتماً تو این سه ماه که من معطل گزینش و مصاحبه و هزار کوفت و زهر مار بودم، دق مرگ می‌شد. گرچه مطمئنم آقای رستم تهمتن تو همان مرحله عقیدتی و تحقیق، سنگ روی یخ می‌شد» (امیریان، ۱۴۰۰: ۱۳).

امام حسین (ع) یکی از قهرمانان دینی و مذهبی است که جانبازی و شهادت او در راه آرمان و عقیده‌اش، الگویی مناسب برای رزمندگان در راه رسیدن به آرمان‌هایشان می‌باشد. امیریان به بیان سخن یکی از فرماندهان نظامی پادگانی می‌پردازد که نام اباعبدالله (ع) را بر پیشانی خود دارد. او با یادآوری ماجرای تاسوعا و عاشورا، رزمندگان دفاع مقدس را این‌گونه مورد خطاب قرار می‌دهد: «بنده داود بنی‌جمالی هستم. شما به پادگانی اومدید که اسم سرور شهیدان اباعبدالله را بر پیشانی دارد. نشنوم همدیگر را جز برادر خطاب کنید...» (امیریان، ۱۴۰۰: ۲۹).

در شعارها و سرودهایشان نیز نام امام حسین (ع) ورد زبان‌شان است: «رضا دادگر شروع کرد به خواندن:

__ حسین جان، حسین جان، حسین جان.

و ما جواب می‌دادیم:

__ ای خدا ما را نینوایی کن

مکتب ما را کربلایی کن (امیریان، ۱۴۰۰: ۷۳).

و یا حتی در فرمان‌های نظامی هم یاد امام حسین (ع)، طنین بخش صدای آن‌هاست:

«- به احترام خون شهدا، خبردار!

- اسلام پیروز است... شرق و غرب نابود است. یا حسین (ع)!» (امیریان، ۱۴۰۰: ۷۸).

آن‌ها خود را سرباز امام زمان (عج)، خادم‌الحسین و مسافر کربلا می‌دانند: «فرمانده گفت: مسافر کربلا بیرون! منظورش من بودم. روز قبل داده بودم اصغر حیدری با خط خوش پشت پیراهنم بنویسد: مسافر کربلا» (امیریان، ۱۴۰۰: ۷۸).

امام خمینی (ره) نیز شخصیتی است که با هدایت و رهبری خردمندانه او انقلاب اسلامی به پیروزی رسید. لذا اسوه و الگویی مناسب برای جوانان و نوجوانان به‌شمار می‌آید که در راه آرمان و عقیده خویش از دل و جان می‌کوشند. عشق و محبت جوانان و نوجوانان در آن روزها نسبت به امام، عشق و محبتی صادقانه و خالصانه است: «نرسیده به در اصلی، دیوار بلندی بود که تصویر امام خمینی (ره) روی آن جا گرفته بود و به بیننده لب‌خند می‌زد. حالتش طوری بود که آدم ناخواسته لب‌خند می‌زد. انگار امام تو صورت آدم لب‌خند می‌زد. بارها دیده بودم که بچه‌ها ناخواسته آن تصویر خندان را می‌بوسند و حال می‌کنند» (امیریان، ۱۴۰۰: ۱۱۷).

۲-۵- ستایش وطن

دوستی وطن و عشق ورزیدن به آن، از اصول مهم ادبیات پایداری به حساب می‌آید. زیرا «میهن برای شاعر موارد بسیاری را در بر می‌گیرد: محمل خاطرات کودکی، عشق‌ورزی روزهای جوانی و آرامگاه سال‌های سال‌خوردگی» (کاکایی، ۱۳۸۰: ۵۵). علاوه بر آن، زیبایی‌های یک سرزمین و ویژگی‌های طبیعی آن، حس وطن‌دوستی هر فردی را تقویت می‌کند. امیریان نیز، تنها در یک قسمت از داستان، با وصف زیبایی‌های رود لیتان، به عنوان قسمت کوچکی از سرزمین پهناور و بزرگ ایران، حفاظت و حراست از این مرز و بوم زیبا و دل‌نواز را به صورت غیرمستقیم وظیفه هر وطن‌پرستی می‌داند:

«باور کنید انگار آن‌جا تکه‌ای از بهشت بود، اول صبح رود لیتان، پر از نور رقصان و شکسته خورشید می‌شد. انگار آینه‌ای صد تکه، روی کف لغزنده رودخانه پخش کرده باشند که نورها را هزار تکه منعکس می‌کند» (امیریان، ۱۴۰۰: ۱۹۳).

۲-۶- توصیف و ستایش جان‌باختگان و شهیدان

شهادت‌طلبی جلوه‌ای از مقاومت است و شهید نماد مبارزه و پایداری است. شهادت در جامعه از قداست خاصی برخوردار است. چون «خون شهید، موجی در جامعه برمی‌انگیزاند که خوبی‌ها و نیکویی‌ها را ترویج می‌دهد و بدی‌ها و مفاصد را از بین می‌برد» (خومحمدی خیرآبادی، ۱۳۹۰: ۳). واژه «شهید» و «شهادت» یادآور خصلت‌های نیکویی است که در طی زندگی، قرین شهدا بوده است. آن‌ها در خون تپیدگانی هستند که هستی خویش را در راه دفاع از ناموس و شرف این سرزمین و هم‌چنین بهبود زندگی آیندگان فدا کردند. امیریان با برشمردن خصلت‌هایی نظیر دل‌رحمی، دل‌سوزی، فداکاری و...، به توصیف اخلاق نیکوی فرمانده شهیدی می‌پردازد که با وجود سخت‌گیری‌های زیاد و طاقت‌فرسای دوره‌های آموزشی، نسبت به داوطلبان دارای قلبی مهربان و دل‌سوز بوده و هر شب پس از اتمام تمرین و بعد از خوابیدن رزمندگان، به آن‌ها سر می‌زده و حتی پوتین‌های آنان را که از فرط خستگی به خواب رفته بودند، در می‌آورده و کف پایشان را می‌بوسیده است:

«یک نفر از من دو سه سال بزرگ‌تر...، به بغل دستی‌اش گفت اون نوشته را می‌بینی؟ بچه محلمون می‌گفت شهید میثم فرمانده آموزشی تو همین پایگاه بوده. به قدری نیروهاشو می‌دوونده و خسته می‌کرده که اونا غش می‌کردند. وقتی شبا اونا از خستگی پوتین به پا می‌خوابیدن، شهید میثم موقع سرکشی، پوتین اونا رو در می‌آورده، گریه می‌کرده و کف پاشونو می‌بوسیده» (امیریان، ۱۴۰۰: ۲۷).

و یا در نمونه زیر، اخلاق نیکو و سیرت زیبای رزمنده‌ای به تصویر کشیده شده که شهادتش، قلب هر آشنا و غیرآشنایی را به درد می‌آورد: «سر کوچه به آن سوی خط راه‌آهن نگاه کردم، هنوز پلاکاردهای تبریک و تسلیت شهید نصرالله عوایدی

بر تیرهای برق سر کوجه‌شان دیده می‌شد. دلم باز غصه‌دار شد. نصرالله از جوانان مؤمن و خوش‌سیمای محله‌مان بود. مرد جوانی که صغیر و کبیر، انقلابی و بی‌تفاوت به انقلاب به خاطر اخلاق محمدی‌اش جلوی دست به سینه می‌شدند» (امیریان، ۱۴۰۰: ۱۱).

اهمیت و تقدس واژه «شهادت» در نزد رزمندگان اسلام به حدی است که حتی در پاسخ به فرمان‌های نظامی، به جای «بله» و «بله قربان»، از واژه «شهید» استفاده می‌شود: «برادر! توجه داشته باشین، شما نمایندهٔ بچه‌های جنوب شهرین.... نشنم که بعداً بگن از شما دویست نفر فقط چهل پنجا نفر پایان دوره گرفتند. شنفتید؟ همه با ترس و لرز یک‌صدا و کش‌دار فریاد زدیم: ب-ب-بل-بله! مرد چشم غره رفت: مگه این‌جا مدرسه‌اس. شهید. فهمیدید؟ فریاد «شهید» جمع پایگاه را لرزاند» (امیریان، ۱۴۰۰: ۲۴).

استفادهٔ رزمندگان از این واژه، ضمن قداست بخشیدن به آن، آن‌ها را برای شهادت و روحیهٔ شهادت‌طلبی آماده می‌کند. از این‌رو، کلمهٔ «شهادت» از کلمات کلیدی فرمان‌های نظامی می‌شود و در کنار کلمات مقدس دیگری همچون: الله، اسلام، ایمان، سعادت و جهاد از کاربرد خاصی برخوردار می‌گردد.

رزمندگان حتی مراسم دعای ندبه خود را در جوار آرامگاه شهدا برگزار می‌کنند و از روح جاویدان آن‌ها مدد می‌جویند: «عصر، فرمانده در آسایشگاه گفت که... روز بعد می‌رویم به مراسم دعای ندبه در جوار شهدا. که به یاد بهشت زهرا (س) افتادم و کشته‌های به خون خفته» (امیریان، ۱۴۰۰: ۱۱۰).

در فرهنگ اسلامی، شهادت‌طلبی دارای جایگاه ویژه‌ای است. یقیناً آن‌چه موجب پیروزی رزمندگان مسلمان در جنگ‌ها می‌شد، علاوه بر رهبری پیامبر (ص) و اخلاص و تقوای مؤمنین، روحیهٔ شهادت‌طلبی آنان بوده است. در جهانبینی اسلامی، شهادت رسیدن به جاودانگی است: «و لَنَحْشُرَنَّ الَّذِينَ قَتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ» (آل عمران: ۱۶۹). این نکته جای تأمل دارد که «شهادت‌طلبی اسلام با میل به مرگ در مکتب نهیلیستی تفاوت دارد. آن‌ها از زندگی خسته شده‌اند و اقدام به خودکشی می‌نمایند؛ در صورتی که شهید، کسی است که جان خود را در راه ایمان، عقیده و مرز و بوم خود می‌گذارد و معتقد است که در این راه معامله‌ای را با خداوند انجام داده است و به نوعی وجودش را به بهایی گزاف به خداوند می‌فروشد» (امیری خراسانی و احسانی، ۱۳۹۳: ۱۲): «أَنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ أَنْ لَهِمُ الْجَنَّةِ» (توبه: ۱۱۷). این روحیه در فرهنگ اسلامی از گذشته تا کنون مورد تقدیس قرار گرفته است. آن‌ها به خوبی می‌دانند که با رفتن به جبهه، هر آن امکان شهادت هست. لذا «هرکس روحش صیقل بخوره، پخته بشه و در این تنور دنیا نسوزه و برشته بشه، برده. اما اگر خام و نیخته سفر کنیم، باختم» (امیریان، ۱۴۰۰: ۱۲۵).

معرفی قهرمانانی که در راه دفاع از کشور به شهادت رسیده‌اند، ضمن حفظ یاد و خاطرهٔ آن بزرگان، روحیهٔ شجاعت و اسوه‌پذیری را نیز در میان نوجوانان تثبیت می‌کند. «یکی از زیباترین و عالی‌ترین مفاهیم مورد توجه در شعر انقلاب، شهادت و شهادت‌طلبی است. مبارزان راه آزادی و ایثارگرانی که هستی خود را به میدان نبرد آورده‌اند و در شکنجه‌گاه یا میدان مبارزه جان باختند، نماد عظمت و افتخار و الگوی فداکاری هستند» (غنی‌پور، ۱۳۹۱: ۱۵۱). امیریان نیز وقتی پس از چهارده سال، به یاد آن «روزهای شیرین و مردانگی» می‌افتد، نخست از دوستان شهیدش نام می‌برد: «اصغر حیدری، اصغر دادگر، جعفری‌پناه، مرتضی حیدری و...»؛ و سرانجام پس از سال‌ها وقتی به خود می‌نگرد، می‌گوید: «حالا من بیست‌ونه ساله‌ام. با آن‌که ماجراهای فراوانی بعد از جنگ پشت سر گذاشته‌ام، اما باز هروقت به بهشت زهرا (س) می‌روم، خودم را در شانزده هفده سالگی می‌بینم. وقتی عکس دوستان شهیدم را می‌بینم، انگار ما با هم رشد کرده‌ایم و یا سن من در همان زمان که آن‌ها شهید شده‌اند، متوقف مانده است. خلیل هنگام شهادت شانزده ساله بود، اما انگار هر دو هم‌سن و سالیم. هنوز

دلم برای آن روزها پرپر می‌زند» (امیریان، ۱۴۰۰: ۲۱۸).

۲-۷- نیک‌خواهی و نوع‌دوستی

حسّ هم‌یاری و هم‌کاری در شرایط سخت و طاقت‌فرسای جنگ یکی از نمودهای مهم پایداری و مقاومت است. معمولاً این احساس، در میان جوانان و نوجوانان به خاطر طینت پاک و صفای باطنشان بیشتر مجال بروز می‌یابد. در کتاب «فرزندان ایرانیم» نیز می‌بینیم که با وجود شرایط سخت و دشوار آموزش دفاعی و شیطنتهای گاه و بی‌گاه و دل‌خوری‌های بچه‌گانه، هرگاه مشکلی برای یکی از آن‌ها به وجود می‌آید، دیگران به کمکش می‌شتابند:

«گاز چاله را گرفته بود و داشتم کور می‌شدم. دوباره دستی به طرفم دراز شد. این بار جلدی بالا پریدم. اما گودرزی تو چاله مانده بود و مثل فیل مست نعره می‌کشید. فرزانه گفت: داره می‌میره. باید درش بیاریم. چند نفر پایین پریدند و به هر مصیبتی بود گودرزی را بالا کشیدند. اشک مثل باران از چشمان‌مان می‌بارید. گودرزی از حال رفت. رحیم و مجید جلدی زیر بغل گودرزی را گرفتند و بردنش طرف بهداری» (امیریان، ۱۴۰۰: ۷۲).

در جایی دیگر، وقتی فرمانده از به‌مرخصی گرفتن بعضی از رزمندگان به خاطر نداشتن تمکن مالی سخن می‌گوید، هرکس به هراندازه که توان مالی دارد، کمک می‌کند و مشکل دوستان و برادرانشان را حل می‌کنند: «جعفری گفت: برای من خیلی دردآور بود که این موضوع را بشنوم و با شما در میان نذارم.... اگر یکی از ما مشکلی برایش پیش بیاد، باید که ما برای رفع مشکلت آستین همت بالا بزنیم. نصف دوره آموزشی گذشته و من تازه متوجه شده‌ام که بعضی از برادران به مرخصی نمی‌رن و علتش هم بی‌پولی و نداشتن کرایه ماشین... بین ما کسانی هستند که پول توجیبی ندارند و خجالت می‌کشن به دوست و فرمانده‌شون بگن.... هرکس به هر اندازه که توان داره، کمک کنه و من از آن بنده خداها می‌خوام بی-خجالت بیان و هدیه دوستان‌شون قبول کنن.... دست به جیب کردم و مثل همه بچه‌ها هراندازه می‌توانستم در مشمعی که در دست برادر جعفری بود، انداختم. ساعت بعد، در پادگان باز شد و همه به‌مرخصی رفتیم» (امیریان، ۱۴۰۰: ۱۲۹).

همچنین داوود امیریان از مجروح شدن طالبی در عملیات کربلای پنج سخن می‌گوید که در دوره آموزش مقدماتی، فرمانده‌شان بوده و بر آن‌ها بسیار سخت می‌گرفته. او طالبی را روی دوش می‌گیرد و از زیر آتش دشمن نجات می‌دهد و به اورژانس می‌رساند: «من و یونس از شهریور ۶۵ تا عملیات کربلای پنج با هم بودیم. نزدیک عملیات بود که رحیم و... و طالبی هم به گردان ما آمدند. در همان عملیات طالبی مجروح شد و من طالبی را تا اورژانس رساندم. خیلی خنده‌دار بود. روزی آرزو می‌کردم که به‌خاطر سخت‌گیری و بداخلاقی‌اش دمار از روزگارش دربیارم، اما چند ماه بعد خودم او را روی کول از زیر آتش دشمن نجات دادم. وقتی طالبی را به اورژانس رساندم، مرا شناخت. لب‌خند زد و دستم را فشرد» (امیریان، ۱۴۰۰: ۲۱۶).

۲-۸- بیان جنایات دشمن و تحقیر آن

دشمن نقش تعیین‌کننده‌ای در ادبیات پایداری دارد. ادبیات مقاومت، همواره با توصیف دشمن و بیان جنایات او، «به‌طور غیرمستقیم می‌کوشد تا علاوه بر نشان دادن مظلومیت مردم، حس انتقام و ادامه مبارزه را در نیروی خودی به وجود آورد» (محمدی، ۱۳۸۹: ۱۶۷). تنفر از دشمن و بیگانه‌ستیزی یکی دیگر از مؤلفه‌های پایداری و مقاومت به حساب می‌آید. امیریان در جایی از خاطراتش به پرچم ترک‌خورده آمریکا اشاره می‌کند که بر روی زمین نقاشی شده بود و هر گروهان که از آن جا رد می‌شد، پرچم را لگد می‌کرد و شعار «مرگ بر آمریکا» سر می‌داد (امیریان، ۱۴۰۰: ۷۷).

همچنین آگاهی از حيله‌ها و نیرنگ‌های دشمن و بیان جنایات آن‌ها، از نکات جالب توجه در ادبیات پایداری و بویژه ادبیات کودک و نوجوان است: «رحیم رو به سیدمنصور گفت:... قضیه حمله به پایگاه تون را بگو. همون شب که مریم کومه و دارودسته‌اش بهتون حمله کردند. سیدمنصور... گفت: ما روی یک بلندی بودیم. تو پایگاهی که دور تا دورش خاک‌ریز و سیم خاردار بود. از چند روز قبل یه چوپان با گله‌اش تا نزدیکی پایگاه اومد و ما ازش شیر و پنیر و خامه خریدیم و باهاش دوست شدیم... یه شب جمعه ما خوابیده بودیم که یکهو صدای شلیک و فریاد بلند شد. دویدیم بیرون و تو سنگرامون پریدیم. همچنین تیر و آر. پی. چی می‌اومد که انگار تگرگ می‌آد. چند نفر از بچه‌ها شهید شدند. کومه‌ها... می‌خواستند به پایگاه نفوذ کنند، اما جلوشون واستادیم. چند تا منور زدیم بالای سرمان و همه جا روشن شد. یکهو چشمم افتاد به یه دختره که تیربار دستش بود و بهمون شلیک می‌کرد... دیگه جوری شد که فقط چهار پنج نفر تو پایگاه زنده موندن... چشمم افتاد به آر. پی. چی زن‌مون که شهید شده بود. آر. پی. چی شو برداشتم و شلیک کردم... نیروهای کمکی اومده بودن. کومه‌چی‌ها هم فرار کردند. صبح که شد، اون پایین چندتا جنازه افتاده بود. اما هیچ کدوم سر نداشتن. آخه می‌دونید، اونا واسه این که شناسایی نشن، سر مرده‌هاشونو پخ پخ می‌کنن و می‌برن. میون جنازه‌ها اون چوپونو شناختم. از روی علامتی که رو دستش بود. اون نامرد نفوذی بود» (امیریان، ۱۴۰۰: ۱۴۳-۱۴۴).

تحقیر و تذلیل دشمن نیز از نکاتی است که در کتاب «فرزندان ایرانیم» به گونه‌ای از آن یاد شده است. امیریان موقع نگهبانی، با این که نگهبانی‌اش تمام شده بود، اما کسی به سراغ او نمی‌آید تا پست نگهبانی را از او بگیرد، در نهایت گرسنگی، وقتی چشمش به یک ملخ چاق و چله می‌افتد، می‌گوید: «تا آن لحظه، ملخ به آن درشتی ندیده بودم. برش داشتم. پاهای تیغ‌تیغی‌اش را تکان می‌داد... فکری شدم که عرب‌ها چگونه ملخ می‌خورند. شنیده بودم هر وقت حمله دسته‌جمعی ملخ‌ها در صحرا آغاز می‌شود، جشن و سرور عرب‌های بادیه‌نشین هم سر می‌گیرد. ملخ‌ها را سرخ می‌کنند و دو لپی می‌فرستند به خندق بلا. حالم به هم خورد. چندشم شد. ملخ را زمین انداختم» (امیریان، ۱۴۰۰: ۱۶۴).

۳- نتیجه‌گیری

کتاب «فرزندان ایرانیم» که مجموعه خاطرات چند نوجوان بسیجی است، روایتگر نوع نگاه نوجوانانی است که با تمام شیطنت‌شان، عاشق دفاع از سرزمین و ارزش‌ها و آرمان‌های خویش هستند. نوجوانانی که به خاطر کم بودن سن و سال‌شان در شناسنامه‌هایشان دست می‌برند تا بتوانند در جبهه حضور یابند. آن‌ها برای حضور در صحنه‌های نبرد لحظه‌شماری می‌کنند و سر از پا نمی‌شناسند. شور و شوق رفتن به جبهه و دفاع از کشور که گوشه‌ای از آن در کتاب «فرزندان ایرانیم» آمده، کم‌نظیر است. در این اثر روایی که برای گروه سنی بالای ۱۳ سال، یعنی کودکان و نوجوانان نوشته شده، بر مفاهیمی همچون: ایثار و جان‌فشانی، دعوت به مبارزه با دشمن، تحمل سختی‌ها و مشکلات ناشی از آن، نیک‌خواهی و حسّ هم‌یاری و هم‌کاری در میان بسیجیان و رزمندگان، خداباوری و اخلاص در عمل، خودباوری و اعتماد به نفس تأکید شده است. «فرزندان ایرانیم»، ستایش قهرمانان و رزمندگانی است که با الگوگیری از سرور و سالار شهیدان، امام حسین (ع)، در آن روزهای سخت و بحرانی، جان خود را در راه دفاع از وطن و ارزش‌های مقدس‌شان نثار کردند. جوانان و نوجوانانی که با سخت‌کوشی در راه باورها و آرمان‌هایشان با روحیه شهادت‌طلبی، برای رسیدن به اهداف متعالی از هیچ کوششی دریغ نمی‌ورزیدند. داوود امیریان که خود یکی از رزمندگان دوران دفاع مقدس است و جنگ را با تمام گوشت و پوست و استخوان خویش لمس کرده است، می‌کوشد نسل‌های بعدی انقلاب را با واقعیت‌های جنگ تحمیلی آشنا سازد. نسلی که

در آن دوران نبوده و هیچ تجربه‌ای از این پدیده وحشتناک ندارند. او به منظور تأثیرگذاری بر مخاطب و کاستن از تلخی‌ها و سختی‌های جنگ، برای بیان شور و التهاب مردم بویژه نوجوانان برای رفتن به جبهه، از چاشنی طنز بهره می‌گیرد و از این طریق می‌خواهد فرهنگ جبهه و ارزش‌های اصیل و والای آن را به آیندگان منتقل کند.

فهرست منابع

- قرآن مجید، ترجمه الهی قمشه‌ای، تهران: انتشارات پیراسته.
- آیین‌وند، صادق. (۱۳۷۰). «ادبیات مقاومت»، **کیهان فرهنگی**، (۷۹)، صص ۳۴-۳۵.
- امیریان، داوود. (۱۴۰۰). **فرزندان ایرانیم**. تهران: سوره مهر.
- امیری خراسانی، احمد و احسانی، عبدالحمید. (۱۳۹۳). «مؤلفه‌های پایداری در اشعار فارسی علامه اقبال لاهوری»، **نشریه ادبیات پایداری**، دانشگاه شهید باهنر کرمان، سال ششم، شماره یازدهم، صص ۱-۲۴.
- بسمل، محبوبه. (۱۳۹۸). «بررسی مؤلفه‌ها و الگوهای طنز در آثار داوود امیریان». **فصلنامه زیباییشناسی ادبی**. سال هفدهم. شماره ۳۹، صص ۷۵-۱۰۱.
- بصری، محمدصادق. (۱۳۸۸). **سیر تحلیلی شعر مقاومت در ادبیات پایداری**. کرمان: دانشگاه شهید باهنر.
- حاتمی، علی. (۱۳۹۲). «**بررسی و تحلیل و طبقه‌بندی در داستان‌های کوتاه دفاع مقدس**». استاد راهنما: محمدرضا نصر اصفهانی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه اصفهان.
- خومحمدی خیرآبادی، سعید. (۱۳۹۰). «**جلوه‌هایی از فرهنگ اینار و شهادت در شعر انقلاب اسلامی**». پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- رحیمیان، افسانه. (۱۳۸۸). «تأملی بر شعر و شاعری در دوره دفاع مقدس». **فصلنامه خط اول**. سال سوم. شماره ۱۱، صص ۸۳-۹۶.
- سنگری، محمدرضا. (۱۴۰۱). **ادبیات دفاع مقدس**. تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.
- شریف‌پور، عنایت‌الله و قیصری، عبدالرضا. (۱۳۹۰). «بررسی مضامین طنز در خاطره نوشته‌های دفاع مقدس». **ادبیات پایداری**. دوره اول، شماره ۵ و ۶، صص ۲۳۶-۲۰۹.
- کاکایی، عبدالجبار. (۱۳۸۰). **بررسی تطبیقی موضوعات پایداری در شعر ایران و جهان**. تهران: پالیزان.
- محمدی، محبوبه. (۱۳۸۹). **قسم به نخل، قسم به زیتون: بررسی تطبیقی شعر مقاومت ایران و فلسطین**. تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.
- ملاکی، زهره. (۱۳۹۳). «**بررسی شیوه‌های طنز در داستان‌های کوتاه دفاع مقدس (اکبر صحرایی و داوود امیریان)**». استاد راهنما: سید ناصر جابری اردکانی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه خلیج فارس.